

جان مک لین (۱۸۷۹-۱۹۲۳): آموزگار کارگران

مزدک لیان

سوم اوت ۲۰۱۶

(برای سوسیالیسم www.forsocialism.org)

مساله آموزش از مسائل همیشگی جنبش طبقه کارگر بوده است. همین امر در برهه های گوناگون جنبش (به خصوص از میانه های قرن بیستم) متاسفانه عملاً فرصتی برای فخرفروشی برخی دانشگاهیان به کارگران محروم هم ایجاد کرده است. اما سوای این دانشگاهیان متکبر، طبقه کارگر در طول تاریخ مبارزاتی اش از آموزگاران حقیقی خود هم همواره کمک گرفته است. جان مک لین اسکاتلندی یکی از آنهاست.

مک لین متولد ۱۸۷۹ گلاسگو از یک خانواده کارگری است. پدرش کوزه گر بود. خانواده های پدری و مادری اش هردو از کشاورزانی بودند که با انقلاب صنعتی و در جریان خلع ید از کشاورزان (خرده مالکان سنتی) در منطقه "هایلند" اسکاتلند، یعنی راندن آنها از زمین هاشان (که استفاده آنها از این زمین ها سنتی بوده، یعنی "سند" به معنای قرن نوزدهمی اش نداشتند) و قحطی متعاقب آن، وادار به مهاجرت از کوهسارهای شمالی و غربی اسکاتلند به دشت های جنوبی و شرقی شده بودند. جان مک لین با پایان تحصیلات اش به عضویت فدراسیون سوسیال دموکرات اسکاتلند درآمد و در بخش نشریات و سپس آموزش و تبلیغ فعالیت کرد. در این دوران است که او کلاس های شبانه برای کارگران برگزار می کند و به آموزش تاریخ و مبانی اقتصاد به کارگران می پردازد.

در فاصله سال های ۱۹۱۱-۱۹۱۳ و در جریان اعتصابات متعدد در بخش های متعدد صنعت به خصوص در مناطق حاشیه رود کلاید (که صنایع سنگین در آن متمرکز بود) و به کلاید سرخ معروف شد، او نقش پررنگی در سازماندهی و آموزش کارگران دارد. آنقدر که بسیاری از رهبران اعتصابات شاگردان او هستند. نقطه اوج این اعتصاب ها، اعتصاب یک میلیون معدن چی برای اعمال حداقل دستمزد یکسان در سطح کشور در فوریه ۱۹۱۲ بود که به پیروزی رسید. در جریان جنگ اول جهانی و پس از پیوستن حزب سوسیالیست بریتانیا به جنگ، انقلابیان کلاید سرخ رهبری جناح مخالف با جنگ امپریالیستی را به عهده گرفتند. در این دوره نقش مک لین و کلاس هایش در شناساندن علل جنگ امپریالیستی بسیار پررنگ است. او

همچنین کمک زیادی به پیروزی اعتصاب کرایه خانه به رهبری زنان کارگر در ژوئن تا نوامبر ۱۹۱۵ کرد. در همین دوران است که به بهانه تحریک اعتصابات دادگاهی و محکوم می شود. و گرچه حکم اولیه سنگین نبود (پنج روز زندان)، بلافاصله پس از دادگاه از کار اخراج می شود.

با رشد محبوبیت کلاس های اقتصاد یکشنبه عصرهای مک لین، او و عده ای از کارگران تصمیم به ایجاد یک کالج کارگری می گیرند. اما در فوریه ۱۹۱۶ او و عده ای دیگر از رهبران کارگران به علت مخالف شان با جنگ بازداشت می شوند. مک لین این بار به سه سال زندان محکوم می شود.

در جریان تظاهرات صدها هزار نفری اول ماه مه ۱۹۱۷ در گلاسگو کارگران خواستار آزادی مک لین می شوند و دولت را وادار به عقب نشینی می کنند.

با پیروزی انقلاب اکتبر مک لین تلاش بی وقفه ای برای واداشتن دولت به به رسمیت شناختن دولت شوراهای کارگری می کند. و البته در آوریل ۱۹۱۸ با دیگر دستگیر و اینبار به پنج سال زندان انفرادی محکوم می شود. این بار هم کارگران کلاید به خیابان ها می آیند. خود مک لین در زندان اعتصاب غذا می کند. و سرانجام پس از گذراندن هفت ماه از دوران محکومیت اش، دولت مرکزی هراسان از انقلاب، وادار می شود او را آزاد کند.

مک لین بار دیگر کلاس های اقتصاد مارکسی و تاریخ مبارزات کارگری اش را دایر می کند. و همزمان برای اعتصاب عمومی کاهش ساعت کار به هفته ای چهل ساعت تبلیغ می کند. گرچه اعتصاب این بار شکست می خورد و بیکاری گریبان هزاران کارگر درگیر در اعتصاب را می گیرد. مک لین برای ۳۵۰۰ کارگر بیکار هفته ای دوبار کلاس های اقتصاد برگزار می کند. و به عضویت کمیته ناظر بر بیکاران اسکاتلند هم در می آید. البته در این مدت (هم در ۱۹۲۱ و هم ۱۹۲۲) بار دیگر هم دستگیر و به سه ماه زندان محکوم می شود. دلایل محکومیت اش تحریک کارگران به انقلاب، حمایت از معدن چیان، هواداری از استقلال اسکاتلند و مانند آن بود.

علاوه بر اینها علیرغم سمپاتی به دولت شوراهای کارگری در روسیه، مک لین به حزب کمونیست تازه تأسیس بریتانیا نپیوست. و خواهان ایجاد حزب کارگران سوسیالیست اسکاتلند بود.

زندانی شدن، اعتصاب غذاهای متعدد و کار بی وقفه اما بر سلامت او تاثیر جدی گذاشت و او در نوامبر ۱۹۲۳ در اثر ذات الریه درگذشت.

متن زیر ترجمه بیانیه ایجاد کالج کارگری است. که مک لین در سال ۱۹۱۶ نوشته بود. امیدواریم در آینده بعضی دیگر از مقالات او را هم ترجمه و منتشر کنیم (۱).

یک کالج کارگری برای اسکاتلند (۲)

نوشته جان مک لین

سالهاست که زمستان ها کلاس تاریخ اقتصادی و صنعتی در گلاسگو برگزار می شود. امسال تعداد شاگران به تقریباً ۴۵۰ نفر رسیده است. بیرون از کلاس کمیته ای برای پیشبرد طرح ایجاد یک کالج کارگری در اسکاتلند تشکیل شده است. برنامه این است که کمیته، کنفرانسی شامل نمایندگانی از تمامی سازمان های طبقه کارگر در اوایل سال ۱۹۱۶ برگزار کند که در آن به منظور تحقق یک کالج کارگری، مساله ایجاد یک کمیته موقت از نمایندگان [سازمان های کارگری] که فراگیرتر باشد بررسی شود.

هدف دانشگاه ها و دیگر موسسات آموزش عالی تربیت مردان و زنان برای اداره جامعه کاپیتالیستی و در جهت منافع ثروتمندان است. ما فکر می کنیم که زمان آن رسیده است که یک کالج مستقل، که هم اداره اش و خرج اش با طبقه کارگر باشد و در آن کارگران برای مبارزه با اربابان آموزش ببینند، ایجاد شود.

این کالج به راحتی می تواند در گلاسگو تشکیل شود. دانشجویان می توانند به مدت سه ماه به طور روزانه در آن شرکت کنند. کالج می تواند سه ترم در سال فعال باشد: از اکتبر تا دسامبر، از ژانویه تا مارس، و از آوریل تا ژوئن.

مطالب درسی هم می تواند شامل اقتصاد؛ تاریخ اقتصادی، تاریخچه و ساختار و مسائل اتحادیه های کارگری؛ تاریخچه و... تعاونی ها؛ قوانین کار؛ امور اداری برای سازمان های کارگری؛ ادبیات و نگارش انگلیسی؛ حساب و جبر؛ و جز آن باشد.

تنها راه معقول برای تامین مالی کالج اعمال حق عضویت اجباری یک پنی (معادل یک و نیم پوند امروز) در ماه (مثلاً) از طرف اتحادیه هاست. بنابراین در یک سال حدود صد پوند [معادل ۴۰ هزار پوند امروز] از دو هزار کارگر به دست خواهد آمد.

دانشجویانی که از کارگاه ها می آیند ممکن است نیاز به بورسیه ای برای حدوداً دو پوند در هفته داشته باشند. یک دانشجو در ترم با دو پوند (معادل امروز کمی بیشتر از ۱۸۰ پوند می شود) در هفته یا سه دانشجو در سال در بیشترین حالت ۷۸ [حدود ۳۰ هزار پوند امروز] پوند خرج خواهد داشت. اگر آن را از صد پوند کم کنیم ۲۲ پوند (حدود ۸۵۰۰ پوند امروز) برای کارمندان و هزینه های دیگر می ماند. هرچه بورسیه کم تر باشد دانشجویهای بیشتری می توانند از امکانات کالج بهره مند شوند.

صد هزار کارگر که هر یک ماهی ۱ پنی بپردازد می توانند هزینه یک کالج با ترمی ۵۰ دانشجو یا سالی ۱۵۰ دانشجو را بدهند.

این طرح هیچ نیازی به هیچ تشکیلات دیگر به جز خود اتحادیه ها و یا افرادی علاقمند به آموزش که برای کمک به موسسه کمک مالی کنند ندارد.

گزینش دانشجویانی که از طرف سازمان های عضو فرستاده می شوند با خود سازمان های عضو خواهد بود؛ از طریق صندوق رای و ترجیحا یک دانشجو از هر رشته یا منطقه که همه رشته ها و مناطق بتوانند سهم عادلانه ای از دانشجوها را داشته باشند. شرط گزینش دانشجو باید هم علاقه به کسب علم و دانش و هم فعالیت در جنبش کارگران باشد.

البته سوای کارگرانی که سازمان های کارگری عضو می فرستند، اگر کارگری (مثلا از رشته هایی که اتحادیه ندارند یا اتحادیه شان نخواستہ برای تشکیل این کالج شرکت کند) خواست در این کالج ثبت نام کند باید شهریه ثابتی برای تحصیل بپردازد.

معلمان بایستی حاضر باشند که نه فقط کلاس های روزانه بلکه کلاس های عصر و آخر هفته را هم برگزار کنند تا همه [شامل آنها که روزها و نیز تمام طول هفته کار می کنند] شانس بهره بردن از آموزش در کالج را داشته باشند.

هیئت مدیره شامل نمایندگان سازمان های عضو خواهد بود، برای هر صد پوندی که یک سازمان کارگری حق عضویت جمع می کند و می پردازد، یک نفر در هیات مدیره منصوب می کند. کمتر از ۱۰۰ پوند هم یک نفر. مدیران بایستی مانند دانشجویان و بر اساس همان ضوابط گزینش شوند.

به یاد داشته باشید که خرج کالج راسکین در آکسفورد (۳) را چندین اتحادیه کارگری و سازمان تعاونی می دهند. همینطور خرج کالج عوام (۴) در لندن با معدن چیان ولزی و کارگران راه آهن است.

اکنون دیگر زمان آن رسیده است که اسکاتلند هم پا پیش بگذارد و سهمی در آموزش که اینقدر باعث افتخار پدران مان بوده است داشته باشد.

ما به علاقه شما به آموزش واقفیم. بنابراین از شما می خواهیم که این طرح کالج کارگری را در کارگاه هایتان، در اتحادیه هایتان، با دوستان تان در قطار، کلیسا طرح کنید. اگر این کار به طور صمیمانه ای انجام شود حتم داریم که کالج از اکتبر ۱۹۱۶ با تمام نیرو شروع به کار خواهد کرد.

تبلیغ کنید! آموزش دهید! (۵)

(در پایان هم نام اعضای کمیته (یازده نفره) آمده است که همگی نماینده سازمان های کارگری نظیر اتحادیه کارگران صاف کار و تعاونی ها و غیره هستند.)

زیرنویس ها:

۱. برای مطالعه بیشتر به این کتاب رجوع کنید:
Craig, M. 2011. When the Clyde Ran Red. Edinburgh and London: Mainstream Publishing
۲. منبع: آرشیو جان مک لین در آرشیو اینترنتی مارکسیست ها: <https://www.marxists.org/archive/maclean/works/1916-collage.htm>
۳. کالج راسکین البته ربطی به دانشگاه اکسفورد ندارد. بلکه برای دهن کجی به نخبه گرایی این دانشگاه، اتحادیه های کارگری در ۱۸۹۹ آن را در این شهر گذاشتند و شاید اولین نهاد آموزش کارگری باشد. نام اش را هم به یاد جان راسکین گذاردند، که منتقد هنری مشهوری در نیمه دوم قرن نوزدهم بود که به مردم دوستی و طرفدار از نوآوری در هنر و ضدیت با سنت های اشرافی شهره بود.
۴. کالج عوام یا لیگ عوام هم در سال ۱۹۰۸ توسط مارکسیست های اتحادیه های کارگری در لندن ایجاد شد. بنیان گزاران اش از مارکسیست های کالج راسکین بودند که حذف تدریجی مارکسیسم از رئوس بعضی مباحث را در کالج راسکین بر نمی تافتند.
۵. اشاره مک لین به شعار سوسیال دموکراسی آلمان در پایان قرن نوزدهم است که ویلهلم لیبنکنشت آن را رواج داد و فشرده ای است از وظایف حزب کارگران، یعنی: آموزش دهید! تبلیغ کنید! سازمان دهید! و به این ترتیب به جایگاه آموزش در سازماندهی سوسیالیستی اشاره دارد.